

مطالعه تطبیقی اصل برابری سلاح‌ها در دادرسی مدنی ایران و مقررات دادرسی فدرال امریکا

تاریخ دریافت: ۹۹/۲/۲۶

تاریخ پذیرش: ۹۹/۸/۱۰

نوع مقاله: پژوهشی

نادر قنبری^۱

داود نصیران نجف‌آبادی^۲

رضا سلطانی^۳

چکیده

زمینه و هدف: امروزه حق برخورداری از دادرسی عادلانه یکی از حقوق بنیادین بشر شناخته می‌شود، اما از آنجایی که عدالت امری کیفی و غیرعینی است، لذا سنجش میزان عادلانه بودن دادرسی‌ها به راحتی ممکن نیست. از این رو، تئوری برابری آیینی به منظور پیدا کردن معیارهای کمی و عینی برای سنجش میزان عادلانه بودن دادرسی مطرح شده است.

روش‌شناسی: روش تحقیق مقاله حاضر از نوع تحلیلی - توصیفی می‌باشد.

یافته‌ها: بر اساس این تئوری، طرفین در یک دادرسی عادلانه باید از سه نوع برابری شامل برابری در سلاح‌ها، برابری در قانون و برابری در نتیجه دعاوی مشابه برخوردار باشند تا با سنجش میزان رعایت آن برابری‌ها بتوان میزان عادلانه بودن دادرسی را مورد ارزیابی قرار داد. برابری سلاح‌ها به مفهوم برابری اصحاب دعوا در دسترسی به تجهیزات لازم برای دادرسی، به جهت سابقه تاریخی و ضرورت عقلی، در یک دادرسی عادلانه غیرقابل اجتناب است و به عنوان یک اصل شناخته می‌شود. با تامین برابری سلاح‌ها، اصحاب دعوا شایسته‌ترین فرد برای دفاع از حق خود و رد ادعای طرف مقابل و اجرای دادرسی عادلانه هستند.

نتیجه‌گیری: بررسی این نهادها نشان می‌دهد که نظام دادرسی متناسب با زمان و نیازهای جامعه حرکت نکرده است. نهادهای معاضدتی رایگان در هر دو نظام حقوقی ایران و امریکا جوابگوی تقاضاهای موجود نیست. بالا بودن هزینه‌های دادرسی و ناکارآمدی نهاد اعسار ضرورت بازنگری در آن را به فوریت ایجاب می‌کند.

کلمات کلیدی: برابری در سلاح‌ها، دادرسی عادلانه، دعوای مدنی، آئین دادرسی مدنی فدرال امریکا.

۱. گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

۲. گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران (نویسنده مسئول):

dawoodnassiran@yahoo.com

۳. گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.



۱- مقدمه

برابری در سلاح‌ها به مفهوم تساوی اصحاب دعوا در دسترسی به امکانات و تجهیزات لازم برای دفاع، برای اولین بار از ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر استنباط شده است و متعاقباً در مادهٔ مقدماتی قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه (اضافه‌شده به وسیلهٔ قانون ۱۵ ژوئن ۲۰۰۰) به عنوان یکی از اصول راهبردی آیین دادرسی پیش‌بینی شده است (موسوی، ۱۳۹۳: ۵۵).

دیگر اسناد بین‌المللی حقوق بشر مانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و اسناد منطقه‌ای مانند کنوانسیون امریکایی حقوق بشر (مادهٔ ۸)، منشور کانادایی حق‌ها و آزادی‌ها (مادهٔ ۷)، منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها (مادهٔ ۷)، و اعلامیهٔ حقوق بشر کشورهای اسلامی (مادهٔ ۱۹) مقررات مشابهی را در این زمینه تصویب کرده‌اند (طاهری تازی، ۱۳۹۳: ۵۲). حقوق دادرسی ایران که در سالهای اخیر سعی در بهره‌گیری از ریشه‌های اسلامی خود (اصل ۱۶۷ قانون اساسی) در کنار استفاده از یافته‌های نظام‌های غربی داشته، اصل برابری سلاح‌ها را به‌طور صریح در هیچ‌یک از مواد قانون آیین دادرسی مدنی پیش‌بینی نکرده و روبه قضایی نیز صراحتاً متذکر آن نشده است. در کتابهای اساتید دادرسی مدنی نیز اشاره‌ای به این اصل نشده و صرفاً در یک مقاله از آقای دکتر حسن محسنی با عنوان عدالت آیینی و چند پایان‌نامه و یک رساله به اصل برابری سلاح‌ها به صورت مختصر پرداخته شده است، ولی در حقوق خارجی از جمله امریکا مقالات متعددی در تبیین آن نوشته شده است. البته، با توجه به الحاق دولت ایران به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کشور ما ملزم به رعایت تضمین‌های مورد نظر یک دادرسی عادلانه است (طاهری تازی، ۱۳۹۳: ۶۳).

با توجه به رشد اندیشه‌های حقوق بشری و تئوری‌های مطرح شده در خصوص برابری اصحاب دعوا در دادرسی به عنوان معیار عینی و قابل سنجش دادرسی عادلانه (رابین اشتاین^۱، ۲۰۰۲: ۸) موجب شد که در یک پژوهش تطبیقی با روش کتابخانه‌ای، به بررسی مفهوم و جایگاه برابری در دادرسی مدنی پرداخته شود تا مشخص کنیم که آیا مفهوم برابری سلاح‌ها در مقررات دادرسی مدنی و یا نهادهای موجود پذیرفته شده است یا خیر؟ و اگر

پذیرفته شده است، آیا تاثیری در عادلانه کردن دادرسی‌ها و رضایتمندی اشخاص از نهاد دادرسی توانسته ایجاد کند یا خیر؟ همچنین، به بررسی طرق دستیابی به این نوع برابری و تبیین برخی از مکانیسم‌های پیش‌بینی شده برای تامین آن در فقه امامیه و نظام دادرسی ایران و نظام دادرسی مدنی فدرال امریکا می‌پردازیم.

چون اگر نظام حقوقی بدون اطلاع از فلسفه و مفهوم و ماهیت وجودی یک اصل حقوقی یا نهاد آیینی آن را پذیرفته باشد، در آن صورت آن را ناقص و در خارج از موضع خود استفاده خواهد کرد که در این حالت از کاربرد آن هم طرفی نخواهد بست.

۲- مفهوم برابری سلاح‌ها

برابری^۱ مفهومی است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر در کنار عدالت، آزادی، حیثیت، کرامت انسانی و... به عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق بشر به شمار می‌آید. از جمله معانی برابری در لغت مساوات، تساوی و یکسانی است (معین، ۱۳۸۴: ۹۶۹). واژه انگلیسی برابری در حقوق عمومی بدین معناست که شهروندان فارغ از ویژگی‌های فردی خویش نظیر نژاد، جنسیت، مذهب یا طبقه اجتماعی، تحت نظام حقوقی واحد قرار گیرند (ویژه، ۱۳۸۳: ۲۱۷). در ترمینولوژی‌های فلسفی و سیاسی مفهوم سنتی و کلاسیک از برابری تعریفی است که ارسطو از آن دارد، به این معنا که با برابرها در شرایط برابر رفتار برابر داشت (بلک برن^۲، ۱۹۹۴: ۱۲۳). اصل سوم آیین دادرسی مدنی فراملی در تاکید بر ضرورت رعایت برابری در سلاح‌ها در بند ۱-۳ مقرر می‌دارد: «دادگاه باید امکان برخورداری متداعیین از رفتار برابر و فرصت متعارف^۳ جهت طرح ادعا یا دفاع آنان را تضمین کند (غمامی و محسنی، ۱۳۸۶: ۵۹). در متون حقوقی اسلامی، برابری و مساوات هم‌معنی با عدل و عدالت (ابن فارس، ۱۳۷۰: ۲۶۴) و قراردادن هر چیزی در جای خود آمده است (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۴). در نظام حقوقی اسلام و بویژه فقه امامیه، اجرای عدالت و احقاق حق از وظایف دستگاه قضا است (قرآن کریم، سوره ص: آیه ۲۶) و اهمیت آن به حدی است که از اهداف بعثت پیامبران در قرآن

1. Equality
2. Blak Bern
3. Reasonable



برشمرده شده است (قرآن کریم، سوره حدید: آیه ۲۵). از آنجایی که قضاوت میان دو طرف با سلاح‌های نابرابر نمی‌تواند منجر به حکم عادلانه شود، لذا بر حکم قاعده، واجب بودن مقدمه واجب، برابری در سلاح‌ها برای عادلانه بودن دادرسی‌های اسلامی ضروری و واجب است. اصل برابری سلاح‌ها^۱ سابقه طولانی در تاریخ دارد. در گذشته، قضاوت‌های مبتنی بر اوردالی و دوئل بر پایه مقررات دقیقی استوار شده بود تا برابری کامل سلاح‌ها بین طرف‌های دعوا تضمین شود (موسوی، ۱۳۹۲: ۶۱). یک سیستم ترافیعی بر روی اعتماد به طرفین به ارائه حقایق و بحث‌های حقوقی برای جلوگیری از افتادن از طرف مقابل بنا شده است. برابری سلاح‌ها از دیدگاه دادرسی مدنی به این مفهوم است که در دادگاه‌های مدنی زمینه‌ای فراهم گردد تا هر یک از اصحاب دعوا یا نمایندگان قانونی آنها در زمان و مکان برابر و مناسب و با امکان برخورداری از امکانات و تجهیزات لازم، ادله، ادعاها و استدلال‌های خود را مطرح نمایند و بتوانند ادعاها و استدلال‌ها و ادله طرفین دعوا را نیز مورد مناقشه قرار دهند (رابین‌اشتاین، ۲۰۰۲: ۴). سنجش میزان دسترسی طرفین دعوا به سلاح‌های لازم برای دادرسی یکی از معیارهای عینی و ملموس دادرسی عادلانه است و این برابری، نخستین مبنای حقوقی دادرسی عادلانه را تشکیل می‌دهد (تبیت، ۱۳۸۶: ۵۵).

۳- جایگاه برابری سلاح‌ها در دادرسی

بررسی متون و دیدگاه‌های فقهی نظام حقوقی اسلام را نشان می‌دهد که دادرسی امری حاکمیتی و برای دستیابی به عدالت اجتماعی است و اصول خاص خود را دارد (موسوی‌زنجانی، ۱۳۴۲: ۳۱). از جمله اصولی که باید در دادرسی مورد رعایت قرار گیرد، رعایت مساوات و برابری بین طرفین دعواست (جعفریان، ۱۳۸۴، ج ۱: ۴۹۷). عدالت قضایی مورد تاکید اسلام که شاخه‌ای از عدالت اجتماعی است، به معنی آن است که افراد جامعه از حیث انسان بودن و حقوقی که به این خاطر به آنها تعلق می‌گیرد، برابر و با همدیگر مساوی هستند و باید در مقام دادرسی حق کسی که مورد تجاوز قرار گرفته است، ستانده شود و هیچ‌گونه ملاحظه‌ای اعتباری و غیرارزشی مورد توجه قرار نگیرد (قربانی، ۱۳۸۱: ۲۰۶).

صریح‌ترین تأکیدی که در این زمینه وجود دارد، مربوط به فرمان حضرت علی (ع) به یکی از قضات منصوب خود بنام شریح است که فرمودند: «قاضی باید در نگاه کردن، سخن گفتن و نشستن خود، برابری را میان طرفین دعوا رعایت کند» (علامه حلی، ج ۵: ۱۲۸).

نظام حقوقی اسلام چندین قرن پیش که هنوز اثری از اندیشه‌های امروزی حقوق بشری نبوده، بر ضرورت رعایت برابری حتی در رفتار شخصی قاضی تأکید داشته و این موضوع حکایت از این دارد که مساوات و برابری در دادرسی در این نظام حقوقی مورد تأکید است و شاید کهن‌ترین متون مربوط به ضرورت رعایت برابری در دادرسی، متون مربوط به این نظام حقوقی باشد.

بررسی مقررات دادرسی ایران نشان می‌دهد که برخی از مواد آن بر مبنای تضمین رعایت این اصل تنظیم شده‌اند و اقبال به این اصل با الهام از منابع فقهی و اسناد بین‌المللی، مورد توجه تهیه‌کنندگان برخی از مقررات قانونی از جمله بند ۳ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی بوده است.^۱ حقوق دفاعی در مقابل نظام عمومی تعقیب و تحقیق در اصل ۳۵ قانون اساسی ایران با حق استفاده از وکیل و تکلیف حاکمیت به تأمین آن به عنوان یکی از بارزترین سلاح‌های لازم در دادرسی برای طرفین تضمین شده است (آشوری و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۰۰).

در نظام دادرسی امریکا، بر اساس بخش دوم اصل چهارم قانون اساسی و اصلاحیه ششم آن، همه اتباع کشور با هم برابرند و از حقوق یکسانی برخوردارند و از حمایت برابر قانون برخوردار هستند (فالون آر اچ^۲، ۲۰۰۰: ۱۲۰). بررسی مقررات دادرسی فدرال نشان می‌دهد که برای رسیدن به برابری در دادرسی نهادهای مختلفی پیش‌بینی شده است و برابری در سلاح‌ها جایگاه ویژه‌ای در آن دارد.

بررسی فرایند دادرسی نشان می‌دهد که برابری در سلاح‌ها از طریق تأمین برابری در طرح

۱. برای نمونه، بر پایه بند ۳ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی: «محاکم و دادرها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی‌عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند.» به موجب ماده ۵ قانون آیین دادرسی کیفری، متهم نیز می‌تواند از خدمات وکیل استفاده کند.



دعوا و دفاع، توانمندسازی برابر طرفین و حمایت برابر از آنها قابل دستیابی است. در ادامه این نوشتار، به بررسی هر یک از آنها می‌پردازیم و سپس، نهادهای پیش‌بینی‌شده برای تضمین رعایت برابری در قوانین دادرسی را مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

۳-۱- توانمندسازی و تجهیز برابر طرفین دعوا

برابری در این مفهوم تمایلی به مبارزه با نظام طبقاتی کاستی ندارد، بلکه هدفش کمک برای رساندن حق به صاحب آن است، به نحوی که نه ظلمی به او شود و نه او به کسی ظلم کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳۷۹: ۱). نابرابری طبیعی مالی و فیزیکی در جوامع به دلیل استعدادها و توانایی‌های متفاوت بین افراد همیشه وجود دارد، ولی آنچه مود انتظار است، با اغماض از این موارد، نوعی امکانات برابر برای دادرسی می‌باشد که باید از طریق نظام دادرسی تامین شود (پتتر^۱، ۲۰۰۵: ۲۱۲). مثلاً اگر الزام بر طرح کتبی دعوا و دلایل در دادگاه‌ها وجود دارد- هرچند این حکم برای همه برابر اجرا می‌شود- ولی از آنجایی که همه افراد از سواد نوشتن برخوردار نیستند، لذا باید امکانی مانند معاضدت حقوقی رایگان فراهم شود تا افراد بی‌سواد با استفاده از آن بتوانند دعوای خود را به شکل کتبی تهیه و تقدیم نمایند و یا ادعای خود را در قالب صحیح قانونی مطرح نمایند.

در راستای تأمین توانمندسازی برابر طرفین ضرورت دارد که از زمانی که طرفین قصد شروع دعوا را دارند تا زمانی که برای اثبات ادعای خود دفاع می‌کنند، تحت یک برنامه منظم حمایتی در دستیابی به سلاح‌های مورد نیاز برای دادرسی باشند و قوانین و مقرراتی بر آنان اعمال شود که هر کدام را بر حقوق و تکالیف خود نسبت به جامعه و طرف مقابل آشنا ساخته و این امکان را بوجود آورد که در موقع تصادم همه تا آن اندازه که ممکن است، از حقوق حقه خود بهره‌مند شوند و در عین حال، به وظایف خود در مقابل حقوق دیگران عمل نمایند (گرچی، ۱۳۷۷: ۵۱۹).

۳-۲- حمایت برابر از طرفین در دادرسی

حمایت برابر در دادرسی به معنی برابری قانونی و برابری در پیشگاه قانون می‌باشد.

1. Petter Gottwald

طرفین دعوا باید از حمایت برابر قانون در دادرسی‌ها برخوردار باشند. قانون نباید تبعیضی بین مردم قائل شود. مجریان قانون نیز باید آن را بر همگان به صورت مساوی اعمال نمایند و از اجرای تبعیض‌آمیز آن امتناع نمایند. نظام دادرسی برای تضمین حق برابری، نهادهایی را پیش‌بینی کرده که استفاده از آنها می‌تواند به برابری طرفین منجر شود. از جمله این برابری‌های ضروری، برابری همه اصحاب دعوا در حق طرح دعوا و دفاع و حق دسترسی به دادگاه مناسب و بی‌طرف است.

در فقه امامیه، حق دادخواهی به عنوان یکی از حقوق اولیه و بدیهی مردم شناخته شده است. در خطبه‌ای از امام علی (ع) نقل شده است که فرموده‌اند: «حق به سود کسی جریان نمی‌یابد مگر آن‌که به زیان او نیز جاری می‌گردد. هیچکس هر اندازه هم که مردم او را کوچک شمارند، در مرتبه‌ای پائین‌تر از همکاری و کمک گرفتن نیست... پس، از گفتن حق یا مشورت به عدالت و عدالت‌خواهی خودداری نکنید (نهج‌البلاغه، ۱۴۰).

در اصل ۳۴ و اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی ایران، همه افراد جامعه به صورت مطلق حق دسترسی به دادگاه را دارند (هاشمی، ۱۳۸۳: ۱۲۰) و دادگستری به عنوان مسئول رسیدگی و احقاق حق تکلیف دارد که به دادخواهی آنها رسیدگی کند و چنانچه قاضی دادگاه به هر دلیلی از جریان رسیدگی ممانعت به عمل آورده و محدودیتی در حق دادخواهی فرد ایجاد نماید، براساس ماده ۵۹۷ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی به عنوان مستتکف از حق مورد تعقیب قرار خواهد گرفت.

صرف شناسایی وجود حق بدون تأمین ابزارهای لازم برای اعمال حق کافی نیست، از این رو در این قسمت از مقاله به بررسی برخی از نهادهای شناخته شده و رایج در تأمین برابری سلاح‌ها می‌پردازیم.

۴ - راه‌های تأمین برابری

اندیشه برابری در دادرسی منشأ بسیاری از نهادهای نوین است که نظام‌های قضایی آن را پذیرفته‌اند و با توسعه اندیشه‌های حقوق بشری بیشتر نیز خواهد شد (دورکین، ۲۰۰۲: ۶۶). نظام‌های دادرسی تلاش دارند برای جلوگیری از تجاوز اشخاص قوی به حقوق اشخاص



ضعیف، روش‌هایی را به کار گیرند تا در ابزارها و سلاح‌های مورد نیاز برای دادرسی بین طرفین برابری ایجاد کنند. شناخته‌شده‌ترین نهادهای ایجاد شده برای تضمین رعایت این برابری در ادامه این نوشتار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱- طرح اختصاری دعوا^۱

در نظام حقوقی اسلام، تشریفات یا شکل خاصی برای طرح دعوا پیش‌بینی نشده است و همگان با دسترسی مستقیم و بی‌واسطه به قاضی حق دادخواهی دارند. در نظام دادرسی ایران، طرح اختصاری دعوا در امور مدنی جایگاهی ندارد، ولی در امور کیفری طرح اختصاری شکایت پذیرفته شده است. با توجه به اینکه همگان به یک اندازه از دانش حقوقی و مهارت‌های لازم برای طرح دعوا برخوردار نیستند، لذا الزامی کردن طرح دعوا در قالب تشریفات خاص و به صورت فنی می‌تواند موجب محرومیت برخی از حق دادخواهی شود؛ از این رو، نهادهایی برای حذف این نوع نابرابری در نظام دادرسی پیش‌بینی شده است.

اندیشه‌های حذف تشریفات طرح دعوا، نخستین بار در ۱۸۴۰ و پس از تصویب قانون آیین دادرسی مدنی نیویورک در آمریکا آشکار گردید. طی این قانون برای اولین بار طرح اختصاری دعوا مطرح شد (فیرمن^۲، ۲۰۰۳: ۹۹۰). به این صورت که خواهان می‌توانست به شرح خواسته خود اکتفا کرده و اعمال قواعد و مقرراتی را که به نظر دادگاه مناسب باشد را درخواست کند و لازم نبود که شکل خاصی را برگزیند. یا به علت اینکه نوع خواسته را اشتباه انتخاب کرده و برچسب بدی به دعوا زده، دادخواستش رد نمی‌شد (فردینانداف، ۱۳۸۷: ۱۰۴).

۴-۲- کمک‌های حقوقی رایگان

با توجه به اینکه همه افراد به موازین حقوقی و قانونی و همچنین، ویژگی‌ها و خصوصیات مورد اختلاف‌آشنایی ندارند و جهل به قانون نیز رافع مسئولیت نیست، لذا امکان بهره‌مندی اشخاص از کمک و مساعدت حقوقی^۳ اشخاص آشنا به نظام حقوقی و قوانین شکلی و ماهوی

1. Notic pleading
2. Christopher M. Fairman
3. Civil Legal Aid

حاکم در دعوی و اختلاف را می‌توان یکی از حقوق بنیادین متداعیین در دادرسی پنداشت. در بند ۱۶ و ۱۷ سیاست‌های کلی قضایی، مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۸۲ گسترش دادن فرهنگ حقوقی و قضایی در جامعه و گسترش دادن نظام معاضدت و مشاوره قضایی از جمله وظایفی است که بر دوش قوه قضاییه گذاشته شده است.

در ایران، هر یک از دادگستری‌ها واحدی با عنوان واحد مشاوره و معاضدت قضایی دارند که وکلای دادگستری در آنجا، وظیفه راهنمایی و آشنا کردن مراجعین با قوانین و مقررات مورد نیاز آنها را بر عهده دارند. در مقدمه آیین‌نامه راجع به دفتر راهنمایی کانون وکلا مصوب ۱۳۱۷ به شماره ۱۷/۲۴۰۹/۱۲۲۳ مقرر شده است: «نظر به اینکه بین مراجعه‌کنندگان به عدلیه و یا اداره ثبت اسناد و املاک اشخاصی یافت می‌شوند که از قوانین و سایر مقررات بی‌اطلاع بوده و تمکن کافی هم برای مراجعه به وکیل عدلیه ندارند و به این ترتیب نمی‌توانند از وسایلی که قانون در دسترس آنها گذاشته استفاده نموده به حق خود برسند، وزارت عدلیه به شرح سواد پایین، دفتر راهنمایی برای هدایت آنها تشکیل و انجام این امر را به عهده کانون وکلا قرار داده تا وظیفه مهمی را که وکلای عدلیه در کمک به احقاق حق دارند، نسبت به تمام طبقات اعم از اینکه قادر به دادن حق‌الوکاله باشند یا نه، به طور مساوی انجام دهند...». تحقق اهداف این آیین‌نامه و همکاری با قوه قضاییه در جهت رفع اطلاع دادرسی بر عهده شعبه راهنمایی اداره معاضدت کانون وکلا می‌باشد.^۱

کانون وکلای دادگستری به صورت مستقل نیز به عنوان یک نهاد مدنی براساس بند د ماده ۶ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳، وظیفه معاضدت قضایی را بر عهده دارد. طبق ماده ۲۳ قانون وکالت، وکلای دادگستری عضو کانون وکلا مکلفند همه‌ساله سه دعوی حقوقی را که از طرف کانون به آنها ارجاع می‌شود را بپذیرند و به نحو احسن انجام دهند.

مطابق ماده ۲۰۳ قانون استخدامی سپاه پاسداران دفاتری با عنوان دفتر حمایت قضایی این‌تارگران از سال ۱۳۶۵ در دادگستری‌ها ایجاد شده که توسط نیروی بسیج سپاه پاسداران

۱. در شهر تهران تا اول سال ۱۳۹۳، ۱۵ دفتر معاضدت قضایی کانون وکلای دادگستری در ۱۵ مجتمع قضایی راه‌اندازی و خدمات حقوقی رایگان ارائه می‌دهند.



اداره می‌شود و دارای تعدادی کارشناس حقوق با مدرک حداقل کارشناسی هستند. این دفتر از خانواده شهدا، ایثارگران، جانبازان و بسیجیان حمایت حقوقی می‌کند و علاوه بر ارائه خدمات مشاوره‌ای، وکیل حمایتی رایگان در اختیار آنها قرار می‌دهد.^۱

در نظام دادرسی امریکا همه دادگاه‌ها دارای دفاتر ویژه معاضدت هستند که در سایت دادگاه هر شهری آدرس و شماره تلفن آنها درج شده و وظیفه کمک و مشاوره رایگان به افراد بی‌بضاعت را به صورت تلفنی و حضوری و اینترنتی برعهده دارند. دفاتر معاضدت در هر دادگاه، خدمات تخصصی در موضوع صلاحیت آن دادگاه ارائه می‌کند. «کمک‌های حقوقی مدنی، هسته اصلی برابری مردم براساس اصل برابری در مقابل قانون است.»^۲ مسئولیت مشترک این کمک‌ها فراهم کردن فرصت برابری برای همه شهروندان است.^۳

تعداد ارائه‌دهندگان معاضدت قضایی به صورت رایگان در امریکا به صورت دقیق معلوم نیست، ولی حدوداً ۵۰۰ برنامه حمایتی در سراسر کشور هستند که اگر ۱۶۰ برنامه ارائه‌شده توسط شبکه همگانی مهاجرت^۴ و همچنین، خدمات ارائه‌شده توسط ۲۴۰ دانشکده حقوق را هم به آن اضافه کنیم، به بالغ بر ۸۴۰ برنامه می‌رسد. این علاوه بر ۹۰۰ برنامه ارائه‌شده از کانون‌های وکلای^۵ امریکا می‌باشد. مؤسسات حقوقی غیرانتفاعی داوطلب شامل وکلا، مشاوران و دانشکده‌های حقوق و دادگاه‌ها هستند که با ارائه خدمات پایه‌ای از طریق مراکز معاضدت حقوقی و فن‌آوری‌های آنلاین مانند وبسایت‌ها، خدمات حقوقی رایگان ارائه می‌دهند.

بزرگترین حامی مالی معاضدت قضایی رایگان در امریکا شرکت خدمات حقوقی است که اختصاراً (LSC^۶) خوانده می‌شود و سالانه ۱/۳۴ میلیارد دلار بودجه دولتی دریافت می‌کند. این شرکت بیش از ۹۰ درصد از بودجه را برای ۱۳۴ برنامه غیرانتفاعی معاضدت حقوقی، بین

۱. تبصره ماده ۴ قانون حمایت قضایی از بسیج ۱۳۷۱: «کارشناسان حقوقی این دفتر بدون الزام به کسب پروانه وکالت از کانون وکلا می‌توانند در کلیه مراحل دادرسی از طرف افراد مذکور به عنوان وکیل اقدام کنند.»

۲. باراک اوباما، رئیس جمهور امریکا، ۲۰۱۵ به نقل از سایت وزارت دادگستری امریکا به آدرس: www.justice.gov

۳. اریک هولدر، دبیر کل انجمن حمایت‌های حقوقی کاخ سفید به نقل از سایت وزارت دادگستری امریکا به

آدرس: www.justice.gov

4. www.cliniclegal.org

5. Programs, <http://www.abanet.org/legalservices/probono/directory.html#>.

6. Legal Services Corporation

۸۰۰ دفتر خدماتی در بخش‌ها و شهرستان‌های سراسر کشور توزیع می‌کند. LSC توسط یک هیأت مدیره ۱۱ نفره که توسط رئیس‌جمهور انتخاب و به تأیید سنا می‌رسد، اداره می‌شود. برنامه‌های LSC کمک به افراد و خانواده‌هایی است که درآمد سالانه آنها پایین‌تر از خط فقر اعلامی فدرال باشد. بودجه LSC در حدود ۲۵ درصد از کل خدمات حقوقی ارائه شده در سراسر آمریکا را شامل می‌شود (کات ولد، ۲۰۰۵: ۵۱۴). براساس آمار اداره سرشماری آمریکا در سال ۲۰۱۱، حدود ۶۰ میلیون نفر - یک پنجم جمعیت - به جهت فقر مستحق دریافت خدمات حقوقی رایگان بودند. متأسفانه، به بیش از ۵۰ درصد این تقاضاهای کمک جواب داده نمی‌شود.

مجموع این اقدامات در جهت برابر کردن دسترسی اصحاب دعوا به امکانات لازم برای دادرسی صورت می‌گیرد تا یکی از طرفین دعوا به جهت عدم برابری در سلاح‌ها از احقاق حق محروم نشود. دسترسی افراد جامعه به خدمات حقوقی رایگان نه تنها موجب افزایش و بهبود نتیجه برای کسانی خواهد بود که از این کمک‌ها استفاده کرده‌اند، بلکه می‌تواند در درازمدت از مشکلاتی مانند بی‌اعتمادی به حاکمیت و ناکارآمد جلوه کردن دادگستری جلوگیری کرده و با کاهش مراجعات به دادگستری، موجب صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی شود.

۴-۳ استفاده از فن‌آوری اطلاعات در دادرسی

اگرچه کارکرد دادرسی با تغییر و تحول فنون انجام آن، دگرگون نشده، ولی همان‌طور که پیشرفت فناوری در عرصه‌های مختلف زندگی تأثیر گذاشته، دادرسی و آیین آن هم در شرف تأثیرپذیری جدی از این نوآوری‌های جدید است (محسنی و رضایی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱۴۳). بر اساس قانون برنامه پنجم توسعه، قوه قضاییه مکلف شده است سامانه الکترونیکی کاهش زمان دادرسی در کلیه مراجع قضایی را طراحی نماید. استفاده از این سامانه به معنای تسهیل دسترسی مردم به خدمات قضایی الکترونیک است.

دسترسی آسان برای همگان و در هر زمان و مکان و صرفه‌جویی در هزینه‌ها، کاهش



زمان رسیدگی در دادگاه، حذف نیاز به فضای بایگانی و همچنین تسهیل در بایگانی اسناد، و تسهیل مدیریت و نظارت بر عملکرد دادگاه‌ها و خروجی آنها برای مدیران نظام دادرسی در کنار امکانات آماری از ورودی و خروجی دادگستری با طبقه‌بندی موضوعات مطروحه، از مزایای استفاده از فن‌آوری اطلاعات در دادرسی است که اثر مستقیم آن کارآمدی دادرسی‌ها و افزایش رضایت‌مندی مردم می‌باشد (اسلامی سامانی، ۱۳۹۳: ۶۴).

در ایران، قوه قضاییه در استفاده از فن‌آوری اطلاعات اخیراً اقدامات خوبی را شروع کرده است؛ از جمله آنها، راه‌اندازی سایت عدلیرن به منظور ارائه خدمات قضایی الکترونیک و سامانه ابلاغ الکترونیک و مرکز ارتباطات مردمی و مشاوره قوه قضاییه^۱ می‌باشد. این مرکز از طریق راه‌اندازی سایت مشاوره به منظور ایجاد برابری در سلاح‌ها، به صورت الکترونیکی به سؤالات متقاضیان پاسخ می‌دهد.

در امریکا، اغلب برنامه‌های معاضدت حقوقی از طریق سایت به آدرس www.lawhelp.org برای هر ایالت قابل دسترس هستند. با ورود در آن سایت و انتخاب شهر یا ایالت محل زندگی می‌توان از قوانین مربوط و همچنین، فرم‌های مخصوص طرح دعوا و راهنمایی لازم جهت تکمیل کردن آنها برخوردار شد. در سایت مذکور به ۴۰ زبان از جمله زبان فارسی می‌توان معاضدت حقوقی دریافت کرد.

تسهیل دسترسی به فناوری اطلاعات موجب می‌شود که اصحاب دعوا از اطلاعات کامل بهره‌گیرند، و بتوانند دلایل لازم برای اثبات ادعا را فراهم و در اختیار دادگاه قرار دهند. در این صورت، رأی صادره نه‌تنها توان حل اختلاف ایجاد شده را دارد، بلکه اختلافات بالقوه آتی را نیز مرتفع می‌نماید. به همان نسبت دسترسی به فناوری اطلاعات برای دادگاه نیز ضروری است. یک رأی قضایی زمانی به‌نقطه مطلوب و بهینه دست می‌یابد که دادرسی با ملاحظه آرای سابق در این زمینه و دکترین و قوانین موجود آن را صادر کرده و از مشارکت اختیاری اصحاب دعوا و مدیریت دادرسی حاصل شده باشد (موسوی، پیشین: ۲۰۰).

۴-۴- تسریع در دادرسی و جلوگیری از اطاله

تأخیر در اجرای عدالت به منزله انکار آن و عین بی‌عدالتی است.^۱ طول کشیدن محاکمه [یکی از معایب اصول محاکمات] است (بروجردی‌عده، ۱۳۱۱: ۸). در فقه امامیه به سرعت در دادرسی سفارش فراوان شده است. در فرمانی از امام علی (ع) به عنوان خلیفه مسلمین به قضات تحت امر خود چنین تأکید شده است که «بر قدرتمندان توانگری که در ادای اموال و حقوق مردم امروز و فردا می‌کنند و اموال مردم را نزد حاکم می‌فرستند، نظارت کن و حقوق مردم را از آنان بگیر و اگر ملک و خانه‌ای دارند، بفروش و حق مردم را ادا کن. از پیامبر شنیدم که امروز و فردا کردم مسلمان توانگر نسبت به حقوق مردم ظلم به مسلمانان است» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۲۲۶-۲۲۵).

قانون دادرسی مدنی در مواد (۱۱۷، ۳۱۴، ۱۰۴، ۱۳۳، ۱۳۹، ۲۹۵ و ...) بدون استفاده از لفظ سرعت به دنبال تسریع در دادرسی و جلوگیری از اطاله می‌باشد. همچنین، بند ۱ و ۲ اصل ۷ اصول آیین دادرسی مدنی فراملی نیز رعایت سرعت مناسب و معقول در دادرسی و حل و فصل دعوا در مدت معقول را یکی از اصول دادرسی صحیح دانسته است (غمامی و محسنی، ۱۳۸۶: ۷۷).

قانون برنامه ۵ ساله پنجم توسعه ۹۰-۹۴ در فصل هشتم زیر عنوان حقوق قضایی مواد (۲۱۱ و ۲۱۲) به طور مفصل به مصادیقی از کیفیت دادرسی از جمله تسریع در رسیدگی به پرونده‌ها (بند ح ماده ۲۱۱)، افزایش سرعت و کارایی در ارائه خدمات حقوقی (بند ح از ماده ۲۱۱)، طراحی سامانه الکترونیک کاهش زمان دادرسی و استانداردسازی زمان دادرسی (بند ک ماده ۲۱۱) اشاره نموده است (اسلامی سامانی، ۱۳۹۳: ۶۰).

اطاله در دادرسی موجب محرومیت مردم از یک خدمت اساسی، از بین رفتن دلایل و مدارک در طول زمان، تحمیل مخارج ادامه دادرسی شامل اتلاف وقت اصحاب دعوا و محرومیت از حق موضوع دعوا برای طرفین، و از همه مهم‌تر سلب اعتماد عمومی به دستگاه قضا می‌شود. اطاله دادرسی همچنین موجب برهم خوردن نظمی خواهد شد که دستگاه دادگستری به دنبال اجرای آن است (اسلامی سامانی، ۱۳۹۳: ۶۲).

1. Justice delayed is justice denied



در حال حاضر به عنوان نمونه، در شهر تهران برای دعاوی مدنی حدود ۴۳۶ شعبه دادگاه حقوقی وجود دارد که ۳۸ شعبه آن دادگاه خانواده می‌باشد و مابقی ۳۹۸ دادگاه حقوقی دیگر به کلیه دعاوی غیرمنقول و دعاوی مالی و تجاری با ارزش بالای ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال رسیدگی می‌کنند. کم تعداد بودن دادگاه‌های حقوقی به نسبت تعداد دعاوی و اختلافات موجود باعث شده که اطلاع دادرسی سرسام‌آوری در این دادگاه‌ها حکمفرما باشد.

ماده ۱ قواعد فدرال آیین دادرسی مدنی امریکا در خصوص سرعت در دادرسی مقرر می‌دارد: «این قواعد باید به منظور تضمین حل و فصل عادلانه، سریع و ارزان هر دعوا تفسیر و اجرا شود.» در انگلستان نیز بند ۲ ماده ۱ قانون آیین دادرسی مدنی بر تسریع در دادرسی و متعارف بودن زمان رسیدگی تأکید دارند (همان، ۷۹). امکان تعیین برنامه زمانی در مراحل تنظیم پرونده، پیش‌محاکمه و محاکمه از راهکارهای تسریع دادرسی در انگلستان است. در امریکا نیز امکان تعیین برنامه زمانی در مرحله پیش‌محاکمه مقرر شده است.

شایستگی دادرسی مدنی این نیست که صرفاً دعاوی را ختم کند و یا اینکه با هدف کشف عدالت آنها را به اندازه‌ای طولانی سازد که هزینه‌های دعوا بر اصل دعوا فزونی گیرد، بلکه دعاوی باید در زمان مناسب به اجرای عدالت منجر شود. از این رو، ضروری است که نظام دادرسی در جهت رعایت برابری به حمایت از خواهان برخیزد و با رفع اطلاع دادرسی به رعایت برابری و ایجاد توازن در وضعیت طرفین یاری رساند.

۴-۵- معافیت از هزینه دادرسی

استفاده از مکانیزم هزینه دادرسی در کشورها با اهداف مختلف از جمله کسب در آمد و کاهش تعداد دعاوی غیرقابل‌استماع یا دعاوی که برای تأخیر در رسیدگی مطرح می‌شود، رواج دارد. در برخی کشورها مانند هلند و ایران که هزینه‌های دادرسی بیش از هزینه‌های رسیدگی شده، جنبه درآمدزایی آن بیشتر نمایان است، از آنجایی که تکلیف رسیدگی دادگاه علی‌الاصول مقید به میزان خواسته و نوع آن نیست و لذا، اساساً دادگستری به عنوان خدمتی عمومی نباید متکی به هزینه‌های دریافت‌شده از بابت هزینه دادرسی باشد (محسنی، پیشین: ۲۹۰).

در فقه امامیه، اجرت گرفتن بر قضاوت توسط قاضی حرام است و دادرسی نمی‌تواند از

طرفین دعوای برای دادرسی مزد دریافت کند، لذا هزینه‌های شخصی قاضی باید از بیت‌المال پرداخت شود (موسوی خویی، ج ۱: ۴۸۲).

سابقه درآمدزایی از هزینه دادرسی به قبل انقلاب امریکا برمی‌گردد. تمبر دادرسی در امریکا یکی از زمینه‌های انقلاب آن کشور محسوب می‌شود. پادشاهی انگلستان برای تأمین هزینه‌های حضور خود در مستعمره امریکا قانونی را در سال ۱۷۶۵ تصویب کرد که به قانون تمبر معروف شد. به موجب این قانون، هر حکمی که از دادگاه‌های مرکز و مستعمره‌ها صادر می‌شد، باید روی کاغذی با نشان مخصوص دولتی نوشته شود و قیمت تهیه آن قسم کاغذ به خزانه دولت واریز شود. این قانون را مالیات تمبر نامیدند (ماله‌آلبر، ۱۳۶۲: ۲۳۳).

نظام دادرسی باید تا حد امکان برای تضمین برابری هزینه‌ها را کاهش دهد و حتی الامکان با توجه به میزان مال مورد دعوا، اهمیت پرونده و پیچیدگی مباحث و موقعیت اقتصادی هریک از طرفین هزینه دادرسی را عادلانه تعیین کند.^۱ به منظور تضمین حق دادخواهی و رعایت اصل برابری سلاح‌ها، نظام‌های دادرسی کاهش هزینه‌های دادرسی و اعسار و معافیت از هزینه دادرسی را به عنوان راهی برای ایجاد برابری و عادلانه کردن دادرسی پیش‌بینی کرده‌اند (ماده ۵۱۳ ق.ا.د.م.).

در حقوق ایران قانون‌گذار اشخاصی مانند بنیاد مستضعفان را بدون اینکه معسر باشند، به خاطر شرایط خاص آنها از پرداخت هزینه دادرسی معاف کرده است.^۲ یا در مواردی برخی از افراد جامعه که تحت پوشش نهادهای حمایتی مانند کمیته امداد و سازمان بهزیستی هستند را از پرداخت هزینه دادرسی معاف کرده است. این معافیت به صرف قرار گرفتن خواهان تحت پوشش نهادهای حمایتی مذکور برای آنها اعمال می‌شود و نیازی به رسیدگی دادگاه برای احراز اعسار آنها نیست.^۳ نظام دادخواهی اثبات اعسار از سال ۱۳۱۰ در حقوق ایران معمول شده است (محسنی، پیشین: ۲۸۸).

۱. بند ۲ ماده ۱/۱ قواعد آیین دادرسی مدنی انگلستان ۱۹۹۸

۲. ماده واحده مصوب ۱۳۸۵/۱۲/۱۴: ... بنیاد مستضعفان از پرداخت هزینه دادرسی در تمام مراجع قضایی معاف است.

۳. قانون الحاق یک تبصره به ماده ۵۰۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی؛ مصوب ۱۳۹۴.



در برخی کشورها مانند اسپانیا، بخشی از قانون مربوط به پرداخت هزینه دادرسی برای اشخاص حقیقی در سال ۲۰۱۳ الغاء شده است، ولی تکلیف اشخاص حقوقی به پرداخت هزینه دادرسی کماکان به قوت خود باقی است.^۱

بررسی مقررات فعلی اعسار از هزینه دادرسی در کشورمان نشان می‌دهد که این مقررات به جهت تاخیری که در دادرسی ایجاد می‌کند، موجب محرومیت موقتی خواهان اعسار از خدمات دادگستری شده و در رسیدن به هدف غایی خود ناکارآمد است. اصلاح قوانین مربوطه در جهت کارآمد کردن نهاد اعسار به عنوان یک ظرفیت حمایتی از برابری در دادرسی ضروری است. به نظر می‌رسد از آنجایی که طرف دعوای اعسار دولت است و قبول یارد اعسار به حقوق خواننده آسیبی نمی‌رساند، لذا ضرورتی بر تشکیل جلسه رسیدگی و دعوت از خواننده برای اعسار و صدور دادنامه قابل پژوهش وجود ندارد. پیشنهاد می‌شود قانونگذار با واگذاری قبول یارد اعسار به نظر دادگاه رسیدگی کننده که در قالب قرار اعدادی غیرقابل اعتراض صادر می‌شود، در کنار تعیین تضمین مناسب بر ادعای‌های اعسار غیرواقعی، از اطلاع دادرسی کاسته و بر کارآمدی نهاد اعسار بیفزاید.

۴-۶- حق داشتن وکیل معاضدتی

در دادرسی ترافعی، دفاع از حق و اثبات ادعا بر عهده مدعی است، اما چنین دفاعی نیازمند توانایی‌های علمی و فنی خاصی است که از عهده هر کسی بر نمی‌آید. وکلای دادگستری به جهت آشنایی با قوانین و اصول دادرسی و برخورداری از مهارت‌های لازم برای دادرسی به بهترین نحو می‌توانند یاری‌گر اصحاب دعوا در دادرسی باشند. برخورداری از حق انتخاب وکیل ریشه در اصل رعایت حقوق دفاعی دارد و از حقوق اولیه هر فرد محسوب می‌شود (بوشهری، ۱۳۵۴، ج ۱: ۲۸).

در نظام دادرسی اسلامی، قاضی در مقام رسیدگی، مسئول تحقق بخشیدن به عدالت است و این نتیجه وقتی بدست می‌آید که محیط مساعد و امکانات مناسب برای محاکمه فراهم

۱. نجفی‌توانا، علی، گزارشی از هفتمین نشست سالانه کانون وکلای مادرید، کانون وکلای مرکز، اردیبهشت

۹۴ به نقل از سایت کانون وکلای دادگستری مرکز به آدرس: www.icbar.ir

باشد (موسوی‌بجنوردی و روحانی، ۱۳۹۱: ۲۹). بررسی جایگاه وکیل در قرآن نشان می‌دهد که کلمه وکیل در سوره‌های یوسف آیه ۶۶ و القصص آیه ۲۸ و زمر آیه ۴۱ و عمران آیه ۱۷۳ و انعام آیات ۶۶ و ۱۰۷ و یونس آیه ۱۰۸ و شوری آیه ۶ بکار رفته است. وکیل به مفهوم دفاع‌کننده از حق در آیه ۳۸ سوره حج^۱ به عنوان یکی از صفات الهی استعمال شده است. حق داشتن وکیل در دادرسی اسلامی پذیرفته شده است و از حضرت علی (ع) نقل شده که در جواز حضور وکیل در دادرسی فرموده‌اند: «هر کس وکیلی تعیین کرد، حکم به وکیل او تعلق می‌گیرد و وکالت بدون حضور خصم جایز است (تمیمی‌مغربی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۵۴۰). بر اساس اصل ۳۵ قانون اساسی و طبق ماده ۵۱۳ ق.ا.د.م، حاکمیت موظف است برای افراد نیازمند و اشخاصی که اعسار آنها ثابت شود، وکیل تامین کند.

مسئله دیگر که در استفاده اشخاص از مساعدت وکیل باید به آن اذعان نمود، آزادی افراد در انتخاب وکیل است. این آزادی را نمی‌توان محدود کرد مگر در مواردی که شاعبه خدشه به عدالت و اصول دادرسی عادلانه وجود داشته باشد. به عنوان نمونه، ماده ۱۲ لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری در ایران، نسبت وکیل با قاضی را از موارد محدودیت ذکر کرده است. استقلال حرفه‌ای وکلا و نمایندگان اشخاص در دعاوی از الزامات دیگر دادرسی عادلانه است. استقلال وکلا در اصول بنیادین نقش وکلا مصوب ۱۹۹۰ هشتمین کنگره سازمان ملل مورد شناسایی قرار گرفته است.

استفاده از خدمات وکیل دادگستری در دادخواهی از باب قاعده عقلی است. رجوع به متخصص و خیره اگرچه همچون خود دادرسی به طور معمول با هزینه همراه است، ولی به طور کلی با کاستن از موارد طرح دعاوی واهی و بی‌پایه و ناقص، موجب تقلیل هزینه‌های مادی و معنوی اصحاب دعوا شده و در نهایت، از هزینه‌های عمومی دادگستری نیز می‌کاهد (محسنی، پیشین: ۲۴۹).

در اصل ۳ از «اصول بنیادین نقش وکلا» که در سال ۱۹۹۰ در هشتمین کنگره سازمان ملل در مورد پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمین، با اجماع مورد موافقت قرار گرفت، ذکر گردیده است که «دولت‌ها باید بودجه کافی و سایر منابع مالی برای خدمات حقوقی به افراد

۱. «إِنَّ اللَّهَ يُدْفِعُ عَنِ الدَّيْنِ أَمْثُوا»



فقیر و در صورت ضرورت، برای سایر افراد نیازمند در نظر بگیرند...». بند د قسمت سوم ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و شق ه‌بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون حقوق بشر امریکایی و برخی اسناداردهای دیگر بین‌المللی و منطقه‌ای نیز حق برخورداری و انتخاب وکیل را به رسمیت شناخته است.

در امریکا تا سال ۱۹۶۴ وکالت تسخیری وجود نداشت و پس از آن ایجاد شد. در سال ۱۹۶۴ دیوان عالی امریکا حکم داد که دادگاه می‌تواند برای متهم وکیل تعیین کند، ولی حق الزحمه وکیل بر عهده کسی است که او را تعیین کرده است (ناصری، ۱۳۹۱: ۶۰). در سال ۱۹۶۴ قانونی برای پرداخت حق الزحمه به وکلای تسخیری مدنی و جزایی تصویب شد. در این قانون، افرادی که در معرض اتهام قرار می‌گرفتند، حق داشتند درخواست برخورداری از خدمات وکیل معاضدتی را داشته باشند و این وکیل از آغاز تحقیقات تا پایان داور، به دفاع از حقوق موکل بی‌بضاعت خواهد پرداخت. حق الزحمه وکیل معاضدتی حداکثر ۱۵ دلار برای هر ساعت حضورش در دادگاه یا نزد مدعیان عمومی و ۱۰ دلار برای هر ساعت وقتی که خارج از دادگاه صرف می‌شود، به وی علاوه بر هزینه‌هایی که وی متحمل شده است، از طرف دادگاه پرداخت می‌شود. حق الزحمه وکالت در دادگاه‌های ابتدایی یا مدعیان عمومی در مورد امور جنایی حداکثر ۵۰۰ دلار و در امور جنحه، حداکثر ۳۰۰ دلار خواهد بود (خلعتبری، ۱۳۴۶: ۱۵۷).

طبق برآوردهای اخیر، بیش از ۹۵۰۰۰۰ وکیل دادگستری در ایالات متحده فعالیت دارند. بیش از سه‌چهارم (۷۲/۹ درصد) از وکلای امریکایی در بخش خصوصی، اعم از دفاتر کوچک تک‌کارمنده و شرکت‌های حقوقی بزرگ مشغول به کار هستند. حدود ۸/۲ درصد از آنها برای سازمان‌های دولتی کار می‌کنند، ۹/۵ درصد در شرکت‌های صنعتی خصوصی به عنوان وکیل بخش مدیریت، ۱/۱ درصد برای شرکت‌های ارائه‌دهنده کمک‌های حقوقی یا به عنوان وکیل تسخیری، برای افرادی که توان پرداخت هزینه وکیل را ندارند و ۱ درصد در امور آموزشی مشغول هستند و تقریباً ۵ درصد وکلای کشور بازنشسته و یا غیرفعال هستند (فریدمن، پیشین: ۷۶).

وجود بودجه عمومی در کنار تعدد موسسات خیریه ارائه‌دهنده خدمات حقوقی رایگان در

امریکا در مقابل فقدان بودجه قابل توجه و عدم پرداخت دستمزد و کلای تسخیری و فقدان موسسات خیریه بزرگ ارائه‌کننده خدمات حقوقی در ایران باعث شده که این خدمت جز از طریق کانون و کلای داگستری، متولی و ارائه‌کننده دیگری نداشته باشد و نیازهای موجود در جامعه تامین نشود.

۴-۷- مطالبه خسارت دادرسی

در حقوق ایران، چنانچه خواهان در جریان رسیدگی موفق شود، می‌تواند علاوه بر خواسته اصلی، خسارات دادرسی از جمله هزینه دادرسی و حق الزحمه کارشناسی، حق الوکاله و کیل و کلیه هزینه‌هایی که برای اثبات دعوا یا دفاع از آن ضروری است، طبق مواد ۵۱۵ و ۵۱۹ و ۵۲۰ و ۵۲۱ قانون آیین دادرسی مدنی قابل مطالبه هستند (همان، ۲۸۸)، هزینه دادرسی و خساراتی که از دادرسی متقبل شده را از طرف مقابل دریافت کند. خوانده هم می‌تواند از دادگاه تأمین خسارتی که ممکن است در جریان رسیدگی متقبل شود را درخواست نماید. هزینه‌هایی که به واسطه طولانی شدن دادرسی به طرفین بار می‌شود را باید با راهکارهایی که درباره معقول و متعارف کردن زمان در دادرسی بکار گرفته می‌شود، تقلیل داد (محسنی، پیشین: ۲۸۱). همچنین، باید به محکوم‌له اجازه داد تا جبران محرومیت خود از خواسته را با تقاضای ضرر و زیان، مانند اجرت‌المثل ایام تصرف و خسارت تأخیر تأدیه و غیره از دادگستری بخواهد (ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ و ماده ۵۱۵ و ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی). همه این راهکارها ممکن است به عنوان وسیله‌ای برای پیش‌گیری و نقض عهد تلقی شود که باید در رعایت برابری بر مسبب بار شده و از وی قابل مطالبه باشد.

برخی نظام‌های دادرسی تعیین میزان قابل پرداخت از هزینه‌های دادرسی را به عنوان خسارت توسط خوانده به نظر دادگاه موکل کرده‌اند. در فرانسه، دیوان عالی کشور با استناد به ماده ۶۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی، قاضی را مجاز دانسته که هزینه‌ها را میان طرفین تقسیم کند. در حقوق انگلستان هم طبق بند الف قسمت ۴ بند ۳ ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی مدنی سوء رفتار محکوم‌له در جریان دادرسی ممکن است موجب عدم صدور حکم به پرداخت خسارت و هزینه‌ها به نفع وی شود (محسنی، پیشین: ۲۹۳). در بند ۲ اصل ۲۵



اصول آیین دادرسی فراملی دادگاه مجاز دانسته شده است که در صورت وجود جهات موجه و روشن مبنی بر سوء رفتار آیینی در جریان دادرسی، میزان هزینه‌های استحقاقی دریافت محکوم‌له را محدود کرده یا از صدور حکم در مورد آنها امتناع نماید، البته در این صورت دادرس را مکلف می‌کند که تصمیم خود را مستدل کند. در برخی نظام‌های دادرسی مانند چین، ژاپن و ایالات متحده امریکا خسارات دادرسی قابل جبران نبوده و بر عهده خود خواهان می‌باشد (پورااستاد، پیشین: ۱۲۵).

۴- ۸- تحقیق از طرف دادگاه

در اکثر نظام‌های دادرسی دادگاه مدنی حق دارد برای کشف حقیقت تحقیق‌های لازم را انجام داده و با امکاناتی که در اختیار دارد، به برابر کردن طرفین دعوا کمک کند تا حقیقت قضایی منطبق با حقیقت واقعی خارجی شود (هاشمی‌شاهرودی، ۱۳۷۵: ۵۵). در نظام دادرسی مورد نظر فقه امامیه، حمایت از ناتوانان در دادرسی و یاری رساندن به آنها برای احقاق حق از وظایف حاکم و نظام دادرسی است. امام علی (ع) به عنوان حاکم و قاضی القضاة در این زمینه فرموده‌اند: «قوی در نزد من ضعیف است تا وقتی که حق مظلوم را از او بازستانم و ضعیف نزد من قوی است تا وقتی که حق را به وی بازگردانم» (نهج البلاغه، خطبه ۳۷). البته، این حمایت زمانی است که یکی از طرفین دادرسی در وضعیت نابرابری با طرف دیگر بوده و بدون یاری رساندن، امکان دفاع از حق خود را ندارد (کاشفی‌اچچه‌بیشه، ۱۳۸۸: ۵۱). ماجرای دادرسی معروفی که بین امام علی (ع) و مرد نصرانی در نزد قاضی شریح در خصوص دعوای امام (ع) علیه نصرانی بر مطالبه زره گم‌شده خود که در ید نصرانی بوده، برگزار گردیده و در نهایت، به جهت عدم کفایت دلیل به ضرر امام علی (ع) حکم صادر شد. نمونه‌ای از بی‌طرفی دادگاه در دادرسی و صدور حکم بر اساس دلایل طرفین است. در دادرسی مذکور، از آنجایی که امام (ع) از توانایی کافی برای دفاع از حق خود برخوردار بوده، لذا قاضی حتی با علم به اینکه ظن دروغ و واهی بودن ادعای امام را نداشته، از حق تحقیق مستقل استفاده نکرده و صرفاً دادرسی را در محدوده دلایل ارائه شده طرفین اداره کرده است. در پایان دادرسی، مرد نصرانی با وجود صدور حکم به نفع وی بر حقانیت دعوای امام (ع) اقرار

نموده و با تحسین این حد از برابری و عدالت در دادرسی اسلامی به اسلام ایمان آورد. این دادرسی نه تنها الگویی برای رعایت برابری اصحاب دعوا و بی‌طرفی قاضی است، بلکه معیار تعیین محدوده اختیارات قاضی برای تحقیق و کشف دلیل بدون درخواست طرفین است. در برخی نظام‌های دادرسی، پاره‌ای از حقوق دانان از «دادرس کمک‌کننده» سخن گفته‌اند^۱ که یاریگر شخص ضعیف‌تر است و از خدمت‌گذاری به عدالت واهمه‌ای ندارد. در حقوق فرانسه همچون ماده ۱۹۹ قانون آ.د.م قاضی می‌تواند راساً انجام هرگونه تحقیقی را دستور دهد و طرفین و اشخاص ثالث مکلف شده‌اند در فرض صدور چنین ترتیباتی با قاضی همکاری کنند (ماده ۱۰ و ۱۴۳ کد آیین دادرسی مدنی). البته، ترتیب تحقیق مورد نظر قاضی به موجب همان ماده باید قانوناً قابل پذیرش باشد و براساس بند ۱ ماده ۱۴۶ همان قانون در مورد موضوع بیان‌شده‌ای صادر گردد که طرف ذینفع، عنصر اثباتی کافی برای اثبات آن در اختیار ندارد. از سوی دیگر، این اقدام نباید منتهی به جبران بی‌کفایتی و بی‌لیاقتی طرفین در اداره قضایی دلیل شود (بند ۲ ماده ۱۴۶ کد آیین دادرسی مدنی فرانسه). در هر موردی که دادرس فرانسوی و ایرانی از اختیارات پیش‌بینی‌شده در قانون برای کشف حقیقت استفاده می‌کند، باید آن را منتسب به قوانین نماید و نمی‌تواند خارج از اصول و مقررات دست به تحقیق و اقدام به نفع طرف ضعیف بزند (محسنی، پیشین: ۱۹۷).

در نظام دادرسی فدرال امریکا اختیار دادگاه در کشف حقیقت برای تامین برابری سلاح‌ها به رسمیت شناخته شد و دارای محدوده وسیعی است و با عنوان کشف دلیل^۲ و تحقیق آزاد معروف شده است (جیمز^۳، ۲۰۱۰: ۶۲۰).

در حقوق ایران، محدوده تحقیق از طرف دادگاه مشخص نیست و حتی متن ماده ۱۹۹ ق.آ.د.م به نحوی تنظیم شده که معلوم نیست کشف حقیقت اختیار است یا تکلیف. تامین برابری سلاح‌ها بین اصحاب دعوا ضرورت روشن شدن ابعاد این نهاد مهم حقوقی را ایجاب می‌کند.

-
1. Le juge assistanc
 2. Discovery
 3. James R Maxeiner



۴ - ۹ - دسترسی به رویه دادگاه‌ها

دسترسی به رویه دادگاه‌ها در موضوعات مورد اختلاف یکی از ابزارهایی است که اصحاب دعوا با در اختیار داشتن آن از طرح دعاوی بیهوده خودداری می‌کنند و در هزینه و فرصت دادگاه‌ها و اصحاب دعوا نیز صرفه‌جویی می‌شود. علاوه بر آن، امکان پیش‌بینی نتیجه دعوا هم میسر می‌شود (الیاس^۱، ۲۰۱۱: ۱۱۲). دادگاه‌ها هم با اطلاع از تصمیمات سابق به نوعی از صدور آرای متعارض پرهیز می‌نمایند و بدین ترتیب، برابری در نتیجه به عنوان رکن سوم برابری آیینی نیز تامین می‌شود.

در فقه امامیه احکام سابق‌الصدور پیامبر اسلام و امامان و قواعدی که بر مبنای آنها حکم صادر شده از منابع اصلی دادرسی محسوب می‌شود. از آنجایی که قضاوت و صدور حکم عموماً در مسجد و در منظر عموم صورت می‌گرفت، لذا اغلب حاضرین از رای اصداری اطلاع یافته و آن را در دسترس دیگران قرار می‌دادند.

قانون برنامه پنجم، انتشار الکترونیکی آراء را از تکالیف قانونی قوه قضاییه بر شمرده است. سامانه‌ای اخیراً با نام بانک داده آرای پژوهشگاه قوه قضاییه بدین منظور راه‌اندازی شده است. البته، انتشار مشروح مذاکرات و آرای هیأت عمومی دیوان عالی کشور که به صورت رأی وحدت رویه هستند، سابقه‌ای دیرینه در ایران دارد. انتشار مجموعه‌های منظم آراء در کشورهای دیگر مانند انگلستان^۲ و فرانسه^۳ دارای سابقه‌ای بیش از یک و نیم قرن است (مجموعه آرای قضایی، ۱۳۹۱: ۵).

در نظام‌های حقوقی غیر متمرکز، اشخاص خارج از ایالت مقرر دادگاه به جهت ناآشنایی با قانون حاکم، در وضعیت نابرابری از لحاظ تجهیزات نسبت به خواننده‌ای که در مقر دادگاه اقامت دارد، قرار می‌گیرند (رایت و میلر، ۲۰۰۲: ۳۷). وزارت دادگستری امریکا به منظور ایجاد برابری در سلاح‌ها از سال‌های گذشته اقدام به انتشار آرای دادگاه‌های فدرال در کل کشور می‌نماید. نظام دادرسی هر ایالت آرای دادگاه‌های ایالتی را منتشر می‌کند. دادگاه‌های منطقه نیز به طور گسترده در جهت ایجاد برابری قانونی آرای خویش را منتشر می‌کنند.

1. Elias Papaioannou

2. The law report

3. Bulletin des Arrêts de la Cour de Cassation

نتیجه‌گیری

برابری سلاح‌ها به عنوان یکی از ارکان دادرسی عادلانه مورد تاکید فقه امامیه بوده و به حکایت رویه عملی دادرسی‌های انجام شده در زمان صدر اسلام، تامین آن از تکالیف دادگاه و نظام دادرسی تلقی می‌شود.

دو نظام دادرسی ایران و فدرال امریکا متأثر از الگوی جهانی دادرسی عادلانه، این اصل را در قوانین خود پذیرفته‌اند و نهادهایی را برای تامین برابری سلاح‌ها در دادرسی پیش‌بینی کرده‌اند.

بررسی این نهادها نشان می‌دهد که نظام دادرسی متناسب با زمان و نیازهای جامعه حرکت نکرده است. نهادهای معاضدتی رایگان در هر دو نظام حقوقی ایران و امریکا جوابگوی تقاضاهای موجود نیست. بالا بودن هزینه‌های دادرسی و ناکارآمدی نهاد اعسار ضرورت بازنگری در آن را به فوریت ایجاب می‌کند.

عدم امکان جبران خسارت اطاله دادرسی در ایران در کنار تحمیل هزینه‌های دادرسی به خواهان و استفاده از وکیل دولتی غیرمستقل و همچنین، کشف دلیل گسترده به هزینه خواهان در امریکا و نامعین بودن محدوده آن در ایران از موارد دیگر برهم‌خوردن برابری در دادرسی است.

نظام دادرسی ایران، که از یک طرف نگاه به سرمایه‌های فقه امامیه دارد و از طرف دیگر، برای ارتقای کارآمدی خود در روند دهکده جهانی محتاج به استفاده از تجربیات عملی دیگران است، ضرورت شناسایی اصل برابری سلاح‌ها به عنوان یکی از اصول دادرسی عادلانه و تضمین رعایت آن را با بازآفرینی نهادها و قوانین مربوطه ضروری می‌داند.

تشکر و قدردانی

از عزیزانی که در فرآیند ویراستاری و صفحه‌آرایی این مقاله همکاری‌های لازم را داشته‌اند، کمال تشکر و امتنان را دارد.



فهرست منابع:

الف: فارسی

قران کریم

نهج البلاغه

- استون، فردیناند اف، (۱۳۸۷). *نهادهای اساسی حقوق ایالات متحده امریکا*، ترجمه صفایی، سیدحسین، انتشارات جنگل، تهران، چاپ دوم.
- اسلامی سامانی، احمد رضا (۱۳۹۳). *اصل سرعت در دادرسی مدنی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما حسن محسنی، گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق دانشگاه تهران.
- بروجردی عبده، محمد (۱۳۱۱). *اصول محاکمات حقوقی*، ناشر رحمت‌الله مقدم سمنانی، تهران.
- پوراستاد، مجید (۱۳۹۲). *اصول و قواعد آیین دادرسی مدنی فراملی*، نشر موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، تهران، چاپ دوم.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۴). *دایره‌المعارف علوم اسلامی قضایی*، جلد ۲، گنج دانش، تهران.
- حیاتی، علی عباس (۱۳۹۲). *آیین دادرسی مدنی در نظم حقوقی کنونی*، نشر میزان، تهران.
- شمس، عبدالله (۱۳۸۱). *آیین دادرسی مدنی*، جلد اول، انتشارات دراک، تهران، چاپ سوم.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۴۰۷). *تهذیب الاحکام*، مصحح حسن الموسوی خراسان، جلد ۶، نشر دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم.
- طاهری تازی، میر محسن (۱۳۹۳). *اصل برابری و عدالت مالیاتی در آئینه حقوق بشر و حقوق مالیاتی نوین*، شهر دانش، تهران، چاپ دوم.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه اسلامی، قم، چاپ پنجم.
- غمامی، مجید؛ محسنی، حسن (۱۳۸۶). *اصول دادرسی مدنی فراملی*، نشر میزان، تهران.
- فریدمن، مایکل جی (۲۰۱۴). *خطوط کلی نظام قضایی امریکا*، ترجمه وزارت امور خارجه امریکا، انتشارات وزارت امور خارجه، نیویورک.
- گر جی، ابوالقاسم (۱۳۷۷). *عدالت با اشاره‌ای کوتاه به برخی تقسیمات آن*، به اهتمام

صادق لاریجانی، نشر مرصاد، قم.

- ماله، البر؛ ایزاک، ژول (۱۳۶۲). تاریخ قرن هیجدهم، انقلاب کبیر فرانسه و امپراطوری ناپلئون، ترجمه رشید یاسمی، انتشارات سپهر، تهران، چاپ پنجم.
- مدنی، سید جلال (۱۳۶۸). آیین دادرسی مدنی، جلد اول، نشر گنج دانش، تهران، چاپ دوم.
- محسنی، حسن (۱۳۹۳). اداره جریان دادرسی مدنی بر پایه همکاری و در چارچوب اصول دادرسی مدنی، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ سوم.
- موسوی، افشین (۱۳۹۲). اصل برابری سلاح‌ها در آیین دادرسی کیفری، استاد راهنما علی خالقی، پایان‌نامه دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۷ ه.ق). مصباح الفقاهه، توحیدی تبریزی، میرزا محمد علی، موسسه انتشارات انصاریان، قم.
- ناصری، یونس (۱۳۹۱). وکالت تسخیری در حقوق ایران و انگلیس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما ابوالحسن شاکری، دانشکده حقوق دانشگاه مازندران.

مقاله:

- خلعتبری، ارسلان. وکالت تسخیری، مجله کانون وکلا، ۱۳۴۶، شماره ۱۰۷.
- ساقیان، محمد (۱۳۸۵). اصل برابری سلاح‌ها در فرایند کیفری با تکیه بر حقوق فرانسه و ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۶ و ۵۷.
- سیاست‌های کلی قضایی، مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام، روزنامه رسمی، ۱۳۸۱، شماره ۱۷۰۱۲.
- شمس، عبدالله (۱۳۸۱). اصل تناظر، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۶ - ۳۵.
- صدرزاده افشار، سید محسن (۱۳۷۷). نقش وکیل دعاوی در حقوق فرانسه معاصر با نگرشی به حقوق ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۹، شماره ۱۰۶۱.
- غمامی، مجید؛ محسنی، حسن (۱۳۸۵). اصول تصمیم‌کننده عملکرد دموکراتیک در



دادرسی و اصول مربوط به ویژگی‌های دادرسی مدنی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۴.

- گرجی، علی‌اکبر (۱۳۸۳). *حمایت از آزادی و برابری در رویه قضایی دیوان عالی ایالات متحده آمریکا*، فصلنامه حقوق اساسی، دوره ۲، شماره ۲.

- محسنی، حسن؛ رضایی‌نژاد، همایون (۱۳۹۱). *دادگستری و پیشرفت فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات*، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ۴، شماره ۷.

- ویژه، محمدرضا (۱۳۸۳). *مفهوم اصل برابری در حقوق عمومی نوین*، حقوق اساسی، دوره ۲، شماره ۲.

- هاشمی‌شاهرودی، سید محمود (۱۳۷۵). *علم قاضی*، مجله فقه اهل بیت، شماره ۸.
- موسوی‌بجنوردی، سیدمحمد؛ روحانی، سمیه (۱۳۹۱). *عدالت قضایی از منظر امیر المومنین علی (ع)*، پژوهشنامه متین، شماره ۵۴.

ب: انگلیسی:

-Alan Wright, Charles, & R Miller, Arthur (2002). **Federal Practice and Procedure**, west publishing co, California, 3rd,ed, Vol 4.

-Cadiet, Loic (2011). **Introduction to French civil justice system and civil procedural law**, Ritsumeikan LawReview, No. 28.

-Cortés, Pablo, (2009) **An Analysis of Offers to Settle in Common Law Courts: Are They Relevant in the Civil Law Context?** Electronic Journal of Comparative Law, vol. 13.3.

-Dowrkin, Ronald (2000). **Taking rights seriously**, Harvard university press.

-Fallon R.H. (2004). **The Dynamic Constitution: An Introduction to American Constitutional Law**, Cambridge University Press.

-Fairman, Christopher. M (2003). **The Myth of Notice Pleading**, Arizona Law Review, Vol 45, P988.

-Friedman, Michael Jay (2008). **The u.s legal system**, u.s.a department state publication.

- Gottwald, Petter (2005). **General Functions and Aims of Comparative Law**, RitsumeikanLaw Review, No, 22.
- John Ferejih, Frances Rosenbluth, and Charles Shipan (2004). **Comparative Judicial politics**, Oxford University press.
- Maxeiner, James R, (2010). **Iqbal and the Role of the Courts: Pleading and Access to Civil Procedure: Historical and Comparative Reflections on Iqbal, A Day in Court and a Decision According to Law**, Penn State Law Review, No. 3.
- Papaioannou, Elias, (2011). **The Injustice of the justice system**, Harvard University press.
- William B. Rubenstein, (2002). **The concept of equality in civil procedure**, cardozo lawreview, vol. 23.
- William B. Rubenstein, (2010). **Understanding the Class Action Fairness Act of 2005 (briefing paper)**, www.Classactionprofessor.com/cofa-analysis.pdf.

ج : سایت‌های اینترنتی:

- www.moshaver129.ir
- www.hoghooghshahrvandi.ir
- www.webgozar.com
- www.Icbar.ir
- www.dadiran.ir
- www.justice.gov
- www.cliniclegal.org
- www.abanet.org
- www.nycourts.gov
- www.j.ijri.ir